

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده حقوق، گروه جزا و جرم‌شناسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: حقوق جزا و جرم‌شناسی

عنوان:

قاضی و امتناع از رسیدگی

استاد راهنما:

دکتر جعفر کوشا

استاد مشاور:

دکتر صفت اله آقایی فیشانی

نگارش:

راحله کاظمی مریدانی

بهار ۱۳۹۰

تقديم به :

پيشگاه عدالت كه آستان بلندش دست نيافتني مي نمايد.

تقدیم به :

روح پر فتوح و پر صلابت مادرم که رهنمودهایشان همواره چراغ راهم بوده است و حضورش را همواره در کنارم احساس کرده ام.

پدر بزرگواری که همت بلندش ستودنی است و هدایتهای وی را به عنوان گنجینه ای گرانبها در اختیار داشته ام.

همسر گرامی ام که گام نهادن در راه علم و کسب دانش بدون حمایت و حضور وی میسر نبوده است.

سپاس:

از استاد معظم جناب آقای دکتر کوشا که راهنمای اینجانب در تدوین و نگارش این پایان نامه بودند و با سعه صدر و رهنمودهایشان مرا یاری کردند صمیمانه تشکر و قدردانی می کنم.

کمال سپاسگزاری و تشکر خود را تقدیم استاد محترم جناب آقای دکتر آقائی می نمایم که زحمت مشاوره اینجانب را متقبل شدند و از خداوند سبحان سلامتی و توفیق ایشان را مسألت می کنم.

در پایان از جناب آقای دکتر احمدی موحد که قبول زحمت فرموده و داوری این پایان نامه را بر عهده داشتند مراتب تشکر و قدردانی خود را اعلام می دارم و برای ایشان هم آرزوی بهروزی و موفقیت دارم.

بسمه تعالی

تعهدنامه اصالت پایان‌نامه کارشناسی ارشد

اینجانب راحله کاظمی مریدانی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۷۰۸۴۹۸۴۶۰۰ در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی که در تاریخ ۹۰/۴/۱۸ از پایان‌نامه خود تحت عنوان: قاضی و امتناع از رسیدگی کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می‌شوم.

۱- این پایان‌نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان‌نامه، کتاب، مقاله و.....) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه‌های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده‌ام.

۲- این پایان‌نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین‌تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره‌برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و..... از این پایان‌نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: راحله کاظمی مریدانی

تاریخ و امضاء: ۹۰/۴/۱۸

باسمه تعالی

در تاریخ: ۹۰/۴/۱۸

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم راحله کاظمی مریدانی از پایان نامه
خود دفاع نموده و با نمره به حروف و با درجه
مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما:

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	أ - بیان موضوع
۱۰	ب - انگیزه انتخاب موضوع
۱۰	ج - اهمیت موضوع
۱۰	د - سابقه (پیشینه تحقیق)
۱۰	ه - روش تحقیق
۱۰	و - سوالات
۱۱	ز - فرضیات
۱۱	ح - موانع و مشکلات تحقیق
۱۱	ط - مباحث مورد نظر در پایان نامه
	بخش اول: « از تخلف تا جرم »
۱۵	فصل اول: تخلف
۱۵	مبحث اول: مفهوم تخلف
۱۶	گفتار اول: ماهیت تخلف و تحقق تخلف
۱۷	الف) رابطه تخلف با اداره
۱۸	ب) تفاوت تخلف اداری با جرم
	ج) آیا قضات مقام اداری محسوب می شوند و مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری هستند؟
۲۲	
۲۳	مبحث دوم: سابقه تاریخی و تقنینی قضات متخلف
۲۴	گفتار اول: مجازات قضات متخلف در ایران باستان
۲۵	گفتار دوم: داوری و قضاوت در اسلام
۲۶	گفتار سوم: قاضی و قضاوت در نگرش امام علی
۲۹	گفتار چهارم: سازمان قاضی القضاة در جهان اسلام
۳۱	الف) کارهای قضایی قاضی قضاة
۳۱	ب) کارهای غیر قضایی قاضی قضاة

۳۲	گفتار پنجم: نظارت انتظامی در زمان خلفای اموی
۳۳	گفتار ششم: شرایط و صلاحیت قاضی در جامعه اسلامی
۳۴	گفتار هفتم: مقررات نظارتی و انضباطی قضات
۳۸	مسئولیت انتظامی قضات
۳۸	مبحث سوم: انواع تخلف انتظامی قضات
۳۸	گفتار اول: تأخیر در رسیدگی و تشکیل جلسه محاکمه
۳۹	نمونه آراء صادر شده
۳۹	گفتار دوم: عدم اعلام ختم محاکمه
۴۰	نمونه آراء صادر شده
۴۱	گفتار سوم: تعلل و طفره از صدور رای
۴۱	مبحث چهارم: انواع مجازاتهای انتظامی (مجازات انتظامی صاحبان پایه قضایی)
	مبحث پنجم: پیش نویس لایحه نظارت بر رفتار قضائی در مورد تخلف امتناع از رسیدگی
۴۲	
۴۶	فصل دوم: مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی قضات
۴۶	مبحث اول: تشکیلات دادسرای انتظامی قضات
۴۶	گفتار اول: ساختار تشکیلات دادسرای انتظامی قضات
۴۷	الف) دادستان انتظامی
۴۷	ب) وظایف دادستان انتظامی
۵۰	ج) وظایف معاونین دادستان
۵۰	گفتار دوم: جهات شروع به رسیدگی و تعقیب در دادسرای انتظامی قضات
۵۱	الف) شکایت ذینفع
۵۲	ب) اعلام وزیر داگستری یا دادستان کل
۵۲	ج) اعلام و گزارش مراجع رسمی
۵۳	د) مشهودات و مسموعات و اطلاع دادستان انتظامی قضات و دادیاران آن
۵۳	هـ) ارجاع دادگاه انتظامی قضات
۵۳	گفتار سوم: کیفیت و شیوه رسیدگی در دادسرای انتظامی قضات
۵۵	گفتار چهارم: وظایف دادسرای انتظامی قضات

- الف) تعقیب قضات متخلف ۵۵
- ب) شرکت دادستان و نماینده اش در دادگاه انتظامی هنگام رسیدگی به پرونده ۵۵
- ج) رسیدگی به تخلف عضو هیئت حل اختلاف مالیاتی ۵۶
- د) تعلیق تعقیب انتظامی ۵۷
- مبحث دوم: ساختار وظایف دادگاه عالی انتظامی قضات ۵۹
- گفتار اول: ساختار دادگاه عالی انتظامی قضات ۵۹
- گفتار دوم: اعضای دادگاه عالی انتظامی قضات ۶۰
- گفتار سوم: صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات ۶۱
- مبحث سوم: مرجع تجدید نظر نسبت به احکام دادگاه عالی انتظامی قضات و ساختار محکمه عالی انتظامی قضات ۶۳
- گفتار اول: اعاده دادرسی ۶۵
- گفتار دوم: محکمه عالی انتظامی قضات ۶۵
- گفتار سوم: تفاوت محکمه عالی انتظامی قضات با دادگاه عالی انتظامی قضات ۶۶
- مبحث چهارم: مرجع اجرای احکام دادگاه عالی انتظامی قضات ۶۸
- گفتار اول: مرور زمان در تخلفات انتظامی ۶۸
- گفتار دوم: آیا آراء دادگاه عالی انتظامی قضات ملازمه با آراء کیفری دارد؟ ۷۰
- گفتار سوم: نمونه آراء صادر شده در مورد تخلف امتناع از رسیدگی ۷۲
- بخش دوم: بررسی ماهیت جرم و ضمانت اجرا و مرجع صالح رسیدگی و آیین دادرسی حاکم**

بر جرائم قضات

- فصل اول: بررسی ماهیت جرم و ضمانت اجرا ۸۲
- گفتار اول: موقعیت مرتکب (قاضی) ۸۲
- الف) قاضی ۸۴
- ب) زنان و قضاوت ۹۰
- کار آموزان قضایی و قضاوت ۹۲
- گفتار دوم: بررسی مفاهیم و اصطلاحات امتناع - تأخیر - برخلاف صریح قانون ۹۳
- مبحث اول: تعریف جرم و عناصر تشکیل دهنده ۹۵
- الف) موانع اثباتی در اجرای عدالت ۹۸

عناصر تشکیل دهنده جرم امتناع یا تأخیر مقام قضایی در رسیدگی و صدور حکم

- ۱۰۰ بر خلاف قانون
- ۱۰۰ الف) عنصر قانونی
- ۱۰۰ ب) عنصر مادی
- ۱۰۲ ج) عنصر معنوی
- ۱۰۳ گفتار اول: بررسی اصل ۱۶۷ قانون اساسی
- ۱۰۴ الف) سکوت قانون
- ۱۰۵ ب) نقص قانون
- ۱۰۶ ج) اجمال قانون
- ۱۰۷ د) تعارض قانون
- گفتار دوم: تأملی بر اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی قلمرو شمول در
- ۱۱۱ احکام کیفری و مدنی
- ۱۱۲ الف - واژه دعوی مصرّح در اصل ۱۶۷ قانون اساسی
- ۱۱۴ گفتار سوم: بازتاب اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها در حقوق کیفری ایران
- ۱۱۶ مبحث دوم: ضمانت اجرا (مجازات)
- ۱۱۷ گفتار اول: ضمانت اجرای اجتماعی کیفری
- ۱۱۷ ضمانت اجرای اجتماعی به عنوان کیفر اصلی
- ۱۱۸ طبقه بندی مجازاتها برحسب رابطه آنها با یکدیگر
- ۱۱۸ الف) مجازاتهای اصلی
- ۱۱۹ ب) مجازاتهای تبعی
- ۱۱۹ ج) مجازاتهای تکمیلی (تتمیمی)
- ۱۲۰ گفتار دوم: ضمانت اجرای اجتماعی به عنوان کیفرهای تعزیری و بازدارنده
- ۱۲۱ گفتار سوم: ضمانت اجرای اجتماعی موضوع حق اشتغال
- ۱۲۱ محرومیت های استخدامی
- ۱۲۳ الف) انفصال موقت
- ۱۲۴ ب) انفصال دائم
- ۱۲۵ گفتار چهارم: تادیه خسارات وارده (مسئولیت مدنی قاضی)

- الف) مسئولیت قاضی بر اساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی ۱۲۶
- ب) مسئولیت قاضی بر اساس ماده ۵۸ ق. م. ا ۱۲۹
- ج) مسئولیت دولت در جبران خسارت ۱۳۲
- د) راههای ترمیم ضرر و زیان ۱۳۵
- گفتار پنجم: مسئولیت کیفری قضات ۱۳۵
- الف) جمع بین اعمال حاکمیت و مسئولیت قاضی ۱۳۶
- ب) جمع بین مسئولیت کیفری و مصونیت قضائی قضات ۱۳۷
- ج) اهداف مقنن از برقراری مصونیت ۱۳۹
- فصل دوم: مرجع صالح رسیدگی و آئین دادرسی حاکم بر جرائم قضات
- مبحث اول: مراجع صالح به رسیدگی به جرائم قضات ۱۳۹
- گفتار اول: مراجع صالح به رسیدگی به جرائم قضات روحانی ۱۴۰
- گفتار دوم: مراجع صالح به رسیدگی به جرائم قضات ۱۴۳
- الف) دادسرای صلاحیتدار ۱۴۳
- ب) دادگاه صالح ۱۴۴
- ج) دادسرای مجری حکم ۱۴۵
- مبحث دوم: آئین دادرسی حاکم بر جرائم قضات ۱۴۶
- گفتار اول: آئین دادرسی حاکم بر جرائم قضات غیر روحانی ۱۴۶
- گفتار دوم: آئین دادرسی حاکم بر جرائم قضات روحانی ۱۴۷
- گفتار سوم: وجوه افتراق مسئولیت کیفری با مسئولیت انتظامی ۱۴۸
- نتیجه گیری کلی ۱۵۱
- پیشنهادها ۱۵۶

منابع و مأخذ

چکیده

بازرسی و نظارت بر عملکرد قضات از قدیم الایام وجود داشته و اختصاص به عصر حاضر ندارد. این کنترل و نظارت اصولاً امری مهم و قابل تأمل است.

قضات ممکن است به علت امتناع از رسیدگی و صدور حکم و تأخیر در صدور حکم مورد پیگرد و تعقیب قرار گیرند. برحسب مورد ممکن است متخلف و یا مجرم شناخته شوند.

در حقوق ایران، امتناع از رسیدگی توسط قضات تخلف و به موجب نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات که در ۱۳ اسفندماه ۱۳۰۴

به تصویب هیئت وزیران رسیده است، متخلف شناخته شده و به یکی از مجازاتهای انتظامی محکوم می‌شدند یعنی برای قاضی مسئولیت انتظامی در نظر گرفته شده است.

امابه دلیل اهمیت موضوع قانونگذار جرم امتناع از رسیدگی را در ماده ۱۵۰ قانون مجازات عمومی سابق مصوب ۱۳۰۴ و نیز ماده ۷۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ جرم انگاری نموده است و سپس در سال ۱۳۷۵ قانونگذار این جرم را در کتاب پنجم (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) فصل دوازدهم تحت عنوان امتناع از انجام وظایف قانونی مستقلاً جرم انگاری نمود و برای قاضی مستنکف از احقاق حق مسئولیت کیفری در نظر گرفت.

تفاوت این دو، تخلف و جرم امتناع از رسیدگی صرفاً سوء نیت می‌باشد یعنی چنانچه قاضی عمداً امتناع از رسیدگی نماید جرم و به مجازات مندرج در ماده محکوم می‌شود در غیر اینصورت تخلف و به مجازات انتظامی محوم خواهد شد.

در این پایان نامه تخلف و جرم امتناع از رسیدگی، مرجع رسیدگی به هر یک تخلف و جرم و مرجع اجرای هر یک از این دو مقوله بررسی شده است.

واژگان کلیدی: قاضی، تخلف، جرم، امتناع از رسیدگی، انتظامی، کیفری

مقدمه

اساساً فلسفه وجودی دستگاه قضائی و از اصلی ترین رسالت های آن، داوری و قضاوت و حل و فصل دعاوی و اختلافات و برقراری عدل و انصاف است. به تعبیر رهبری معظم انقلاب اسلامی، وظیفه اساسی دستگاه قضایی دفاع شجاعانه و قدرت مندانه از عدالت است. عدالت آن محبوبی است که مطلوب همه انسانها است. ظلم و ستم و نابرابری به مثابه شعله های آتش هولناکی است که همه کس و همه چیز را بی رحمانه می سوزاند و ریشه کن می سازد. یاری مظلوم، سرکوبی گردن کشان، حاکمیت عدالت و برابری، فراهم نمودن زمینه های رشد و تعالی همه انسانها، جز در سایه وجود یک سیستم قوی، شجاع و آگاه دادرسی تحقق پیدا نخواهد کرد. دادرسان و قضات، فرشتگان پیام آور عدالت الهی در زمین و ادامه دهنده راه انبیاء در میان خلق خداوند هستند. قضاوت جایگاه رفیع حق تعالی و دادرس نایب اوست.

این است رمز و راز آنانی که به قرص نانی میان دو نفر قضاوت نمی کنند. قاضی آن کسی است که در مرز میان جنت و دوزخ گرفتار است. دادرسی آن هم در زمانه ای که ارزشهایی مانند سوگند، شهادت، راستگویی و صداقت، شجاعت و مروت و ... همه و همه به شدت دوران افول خود را طی می کنند، از مناصب سخت و شکننده محسوب می شود. در جوامعی که منافع دنیوی و مادی، حیات بی هدف یابد هدف، زیستن بی ثمر، حرف اول را می زند و پیچیدگی های ناشی از رشد و توسعه و گسترش علم و تکنولوژی (فناوری) و زرق و برق های دنیایی به حدی است که آدمها به ماشینهای بی روح تبدیل شده اند که از درون و برون در حال پوچی هستند، قاضی عجب مسئولیتی دارد؟ او مسئول برقراری هماهنگی، آرامش و نظم و به جهاتی هدایت گر این مجموعه سرکش به سمت مقصود متعالی است. مدیریت حقوق جامعه با قاضی است. اگر دادخواهی و استغاثه فریادگر حق بر باد رفته را قاضی به موقع و به جا نشنود و ظالم و زورگو و باطل را حریف نشود، ملک و قلمرویی برای توده مردم باقی نخواهد ماند تا

زندگی کنند. پس باید که قاضی باشد تا جامعه انسانها حیات داشته باشد. از طرف دیگر قاضی با آن همه هیبت، عظمت، مسئولیت و رسالت باید آن چنان باشد که تصویرش بر اذهان نقش بسته است. این موجود آرمانی، حیات بخش و پیام آور، نه در رویاها بلکه در پشت میزش، جایگاه رفیعش، باید تسکین دهنده آلام و مرتفع کننده گرفتاریها باشد. دادرس مرجع تظلمات و ملجا حق باختگان است. درب عدالتخانه او همه وقت به روی مظلومین و بی پناهان باز است. شمشیر بران قاضی همواره آماده نبرد بی امان با زورگویان و ستمکاران است. تیغ او همان حدیدی است که قرآن کریم نوید برقراری عدالت و قسط با آن را می دهد. او کسی است که مولای متقیان علی (ع) آن فرشته عدالت و یاور توانمند مظلومان در وصفش چه زیبا فرماید:

«ثم اختر للحکم بین الناس افضل رعیتک فی نفسک ممن لا تضیق به الامور و لاتمحکه الخصوم و لایتمادی فی الزله و لایحصر من الفی ء اذا عرفه و لاتشرف نفسه علی طمع و لا یکتفی بادئن منهم دون اقصاه و اوقفهم فی الشبهات و آخذ هم الجحج و اقلهم تبرماً بمراجعه الخصم و اصبرهم علی تکشف الامور و اصبرهم عند ائضاخ الحکم، ممن لا یزدهیه اطراء و لایستملیه اغراء و اولئک قلیل^۱»

«پس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیاورده و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد، طمع را از دل ریشه کن کند و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد و در شبهات از همه با احتیاط تر عمل کند و در یافتن دلیل، اصرار او از همه بیشتر باشد و در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود. در کشف امور از همه شکیباتر و پس از آشکار شدن حقیقت در فصل خصومت از همه برنده تر باشد، کسیکه ستایش فراوان او را فریب ندهد و چرب زبانی او را منصرف نسازد و

^۱ - نهج البلاغه امام علی (ع)، نامه معروف مالک اشتر، ترجمه محمد دشتی

چنین کسانی بسیار اندکند.»

آری این چنین قضاتی هر چند نادر و اندک اند ولی وجود دارند. دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران همان ملجا و پناهگاهی است که چشم امید منتظران عدالت به آنها دوخته شده است.

أ. بیان موضوع

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل یازدهم تحت عنوان قوه قضائیه در اصل ۱۵۶ قوه قضائیه را چنین تعریف می کند: قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

رسیدگی و صدور حکم در مورد تخلفات، تعدیات، شکایات و حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می کند.

- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع

- نظارت بر حسن اجرای قوانین

- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی

اسلام

- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین^۱

همچنین در اصل ۱۵۹ قانون اساسی تصریح می کند که مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است.

آنچه از این دو اصل مهم به سادگی می توان یافت اینکه اولاً - هدف تشکیلات قضایی تحقق بخشیدن به عدالت به عنوان آرمان غایی انسانهاست.

^۱ - اصل ۱۵۶ قانون اساسی

ثانیاً - قوه قضائیه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی آنهاست.

ثالثاً - دستگاه قضایی و دادگستری، مرجع رسمی تظلمات و شکایات می باشد. قانون اساسی که میثاق ملی است و برخاسته از اعتقادات، اندیشه ها و نتیجه مجاهدتها و فداکاریهای توده های مردم خصوصاً امت مسلمان با رهبریت مجاهد خستگی ناپذیر و اسوه ایمان و مقاومت حضرت امام خمینی (ره) می باشد، به خوبی طی چند اصل حیاتی بازبانی گویا و رسا اعلام می دارد که :

الف - اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.^۱

ب - دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید و همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند.^۲ با دقت در نگرش عمیق به اصول فوق این نکته مسلم می گردد که دادرس و قاضی مقامی است که جان، حیثیت، مال و به طور کلی حقوق فردی و اجتماعی افراد به او سپرده است و ملجا و پناهنگاهی است که باید احقاق حق و ابطال باطل نماید.

قاضی ممکن است به لحاظ عدم رعایت بعضی از اصول و مبانی شغلی خود از طرف مراجع قانونی مورد تعقیب انتظامی قرار گرفته و مورد موآخذه و مجازات قرار گیرد و گاهی از اوقات حتی ممکن است بخاطر ارتکاب یکی از جرائم مصرح در قانون تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و مسئولیت کیفری پیدا نماید و در مواردی نیز قاضی ممکن است بدون اینکه شئون شغلی خود را نادیده بگیرد و یا اینکه مرتکب یکی از جرائم شود به لحاظ سهل انگاری و یا عدم دقت موجبات ورود خسارت دیگران را فراهم نماید که در این صورت مسئولیت

^۱ - اصل ۶۱ قانون اساسی

^۲ - اصل ۳۴ قانون اساسی

جبرات خسارت وارده بر زیان دیده را بر عهده خواهد داشت.

بنابراین انواع مسئولیتهای قضات عبارتند از: مسئولیت انتظامی، مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی.

یکی از مسائلی که در ادوار مختلف تاریخ زندگی بشر و تشکیل حکومت مورد توجه بوده است بحث نظارت و کنترل اعمال دولتمردان است از سیره پیامبر اکرم و پیشوای اول شیعیان نیز به خوبی استنباط می شود که بازرسی و نظارت بر اعمال کارکنان حکومتی و کنترل رفتارهای اجتماعی و شغلی آنان از اهمیت بسزایی برخوردار است.^۱ کارکنان امور قضایی و علی الخصوص قضات نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بخاطر اهمیت خاص این شغل مورد نظارت و کنترل قرار می گیرند.

بر این اساس در دستگاه قضایی دو نوع نظارت وجود دارد: نظارت قضایی و نظارت انتظامی نظارت قضایی در مراحل پژوهش و فرجامی به وسیله دادگاههای عالی انجام می گیرد که هدف آن تامین قضاوت صحیح از طریق تصحیح اشتباهات قضایی است و هدف نظارت انتظامی سالم نگهداشتن محیط قضایی است از طریق اتخاذ تدابیر لازم که تعقیب و محاکمه و مجازات انتظامی قاضی تقصیر کار از آن جمله است.^۲

مراجعی که از طرف مقنن برای نظارت و کنترل بر تخلف قضات تعیین گردیده است عبارتند از:

دادرسی انتظامی قضات، دادگاه عالی انتظامی قضات و محکمه عالی انتظامی قضات که قانون برای هر یک از این مراجع وظایفی را مشخص و معین نموده است.

به موجب ماده ۴ اصلاحی قانون تکمیل استخدام قضات مصوب ۱۳۱۷/۱۰/۱۱ مجازاتهای انتظامی دارندگان پایه های قضایی در ۸ درجه رده بندی شده است که سبکترین آن اخطار کتبی

^۱ - محمد باقر، کرمی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۳، تابستان ۷۷، ص ۱۷۰

^۲ - مرتضی، هدایت تبار، نظارت انتظامی در دستگاه قضایی، مجله حقوقی دادگستری، فروردین ۵۷، ص ۱۹

بدون درج در پرونده و سنگین ترین آن انفصال دائم از خدمات دولتی است که به موجب لایحه قانونی و مرجع تجدید نظر و اعاده دادرسی از احکام دادگاههای انتظامی قضات مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۴، احکام دادگاههای عالی انتظامی قضات در صورتیکه مبنی بر محکومیت قضات تا درجه ۳ باشد قطعی است و از درجه ۴ به بالا ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قابل شکایت در هیئت تجدید نظر انتظامی است.

دادگاه عالی انتظامی قضات در تعیین کیفرهای انتظامی باید حقوق قانونی متهم را رعایت و در هر مورد با توجه به نوع تخلف بین حداقل و حداکثر مجازات یکی را با توجه به قوانین و آیین نامه هایی که در این خصوص وجود دارد، تعیین نماید. در اسفند ۱۳۰۴ نظامنامه ای راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات و تعیین مجازات آنها در ۲۷ ماده از طرف هیئت وزیران تصویب گردیده که در حال حاضر نیز مورد عمل و مجری است.

همانطور که می دانیم قضات از مصونیت مطلق برخوردار نیستند و دارای مسئولیت کیفری هستند.

لذا اگر عمداً و تحت لوای صدور حکم بخواهند به مقاصد خود برسند و یا اینکه همانند سایر اشخاص، جرمی مرتکب شوند، مسئولیت کیفری خواهند داشت. در مواد ۶۵، ۷۵ و ۸۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ و قوانین دیگر که از قضات محاکم و دادرها، تحت عنوان عام قضات، مستخدمین قضایی، دارندگان پایه های قضایی و عناوین مشابه دیگر نام برده شده است، قانونگذار برای قضاتی که مرتکب جرائم موضوع این مواد بشوند، مسئولیت کیفری قائل شده است همچنین مواد زیادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نیز به مسئولیت کیفری قضات اختصاص داده شده است. به عنوان مثال ماده ۵۹۷، قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد:

هر یک از مقامات قضائی که که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود و با

وجود اینکه رسیدگی به آنها از وظایف آنان بوده و به هر عذر و بهانه اگر چه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را بر خلاف قانون به تاخیر اندازد یا بر خلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول از شش ماه تا یکسال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضائی محکوم می شود در هر صورت به تادیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

قبل از ورود به بحث و ذکر پاره ای از موارد تخلف مقام قضائی که مشمول این ماده می باشد باید به نکته ای اعتراف کنم که هرگز فکر نمی کردم در تورق کتب حقوقی اساتید جزا با آن روبرو شوم.

در بررسی کتب در محشای قانون مجازات اسلامی دکتر ایرج گلدوزیان شرح ماده فوق که در واقع به نظر اینجانب شالوده و اساس حقوق شهروندی و ازارکان و شاید بیضه قانون جزا باشد اشاره ای بسیار سطحی و گذرا به ماده فوق شده و در واقع به نظر می رسد بتوان با اغماض گفت استاد معظم هیچ توجهی به اهمیت ماده فوق و در واقع تشحیذ ذهن چه عوام و چه خواص در بررسی این ماده نکرده اند در محشای قانون تعزیرات آقای بهمن کشاورز بدون حتی یک خط توضیح یا ذکر یک نمونه رای اهمیت و میزان توجه خود را به این ماده به منصفه ظهور رسانده اند و جالب تر از همه مجموعه کتب حقوق کیفری اختصاصی که حتی یک صفحه یا پاراگراف در خصوص این ماده در قیاس با جرائم دیگر بی اهمیت و بدون نیاز به شرح می باشد، اما جای سوال اینجاست که وقتی زعما و علما و بزرگان حقوق جزا که فریاد عدم رعایت حقوق شهروندی و حقوق بشر از آنان همیشه شنیده می شود حتی به خود زحمت توضیح و تشریح این ماده را برای به عنوان مثال وکلایی که قصد دفاع از حقوق موکل خود را به استناد این ماده دارند نمی دهند چگونه می توان از قضات و مقامات قضایی انتظار انجام درست وظایف را داشت؟